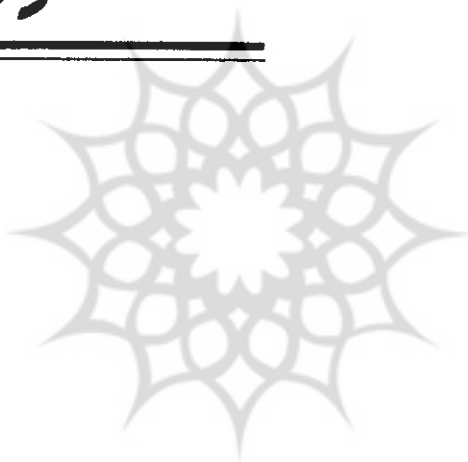


---

# گفتگوی علمی

---



پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښی  
پرتال جامع علومو انسانی

## اسلامی شدن دانشگاهها

گفتگو با حجت الاسلام والمسلمین سید احمد علم الهدی\*

پس از گذشت حدود ربع قرن از انقلاب شکوهمند اسلامی و انقلاب فرهنگی، تعطیل شدن دانشگاه در سالهای اولیه انقلاب، ارتباط حوزه و دانشگاه و استقرار نمایندگان حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری در دانشگاهها؛ چرا همچنان نیاز به اسلامی کردن دانشگاهها از جانب مقام معظم رهبری، به عنوان یک وظیفه‌ی عمده و اساسی مطرح گردیده است؟

در پاسخ این سؤال -نخستین به نظر می‌رسد که پس از گذشت ۲۵ سال از پیروزی انقلاب مقدس اسلامی این کشور؛ جریان مذکور در سؤال، رسالت خود را درست ایفاء ننموده‌اند یا در صورت ادای رسالت، در حد انجام وظیفه‌ی واجب اکتفا

\*. عضو هیأت علمی و معاون آموزشی دانشگاه امام صادق (ع).

نموده و خود را مسئول به نتیجه رسیدن فعالیت‌ها نمی‌دیدند، اما ستاد شورای انقلاب فرهنگی - که محور این رسالت را به دوش داشته است - بدون توجه به عمق دگرگون‌سازی فرهنگ حاکم بر جامعه (که اجرای آن در مورد دانشگاهها باید موجب دگرگونی دانشگاهها در همه‌ی ابعاد آموزشی و پژوهشی و علمی و اخلاقی می‌شد) تنها به جابجائی برخی واحدهای درسی و لغو و تصویب بعضی مقررات و ضوابط آموزشی و کاری بسنده کرده است. انقلاب فرهنگی در دانشگاهها مستدعی دو نوع دگرگونی در دانشگاهها بوده است؛ یکی دگرگونی علمی، که شامل علوم انسانی در دانشگاهها می‌شد. البته دگرگونی علمی به معنی متحول ساختن یک سلسله فرمولها و اصولی که برپایه‌ی تجربه‌ی رشته‌های پزشکی و فنی مهندسی استوار است معنی ندارد و عمدتاً باید دگرگونی علمی در مورد یک سلسله مسائل فرهنگی صورت می‌گرفت، که مبتنی بر مبانی فکری ماده پرستانه‌ی اندیشمندان غربی بوده است، اما متأسفانه در این مورد حتی در مرز صفر (یعنی در حد تشخیص اینکه باید چنین اقدامی بشود) گامی برداشته نشده است. بسی ساده اندیشی است که ما فرض کنیم یک دانشگاه اسلامی را می‌شود در لفافه‌ی اصول فکری و معادلات مبتنی بر اصالت ماده و لذت و پول در یک جامعه ایجاد نمود. طبیعی است که این انقلاب علمی مستدعی دگرگونی عمیق در رشته‌های مختلف علوم انسانی و امتزاج آنها با معارف اسلامی و استناد آنها بر مبانی اعتقادی توحیدی است، اما جریان دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری مدظله العالی که قبلاً تحت عنوان دفتر نمایندگی آیت ... منتظری در دانشگاهها مستقر شده، بخاطر فقدان آئین نامه و شرح وظایف لازم، در ابتدایه صورت اتاق حفاظت و سپس بصورت مسجدی مقدس در کنار خیابان در آمد و همچنانکه ملاحظه می‌شود افراد عابر خیابانها از مسجد کنار خیابان، هر صد نفر حداکثر یک نفر برای نماز خواندن به مسجد مراجعه می‌کند و بقیه‌ی مراجعین

صرفاً برای استفاده از دستسویی یا آب خوردن به آنجا رجوع می‌کنند و لذا در این خصوص این نهاد با همساز قداست و توانمندی معنویش نتوانسته نقش ایفاء کند و اینجا بود که رهبر اندیشمند و تیزبین، با تأییدات خاصه‌ای، که ينظر بنورالله است، مسئله‌ی اسلامی کردن دانشگاهها را به عنوان یک وظیفه‌ی عمده و اساسی مطرح فرمودند.

### **- ویژگیهای دانشگاه اسلامی کدامند؟ حتی المقدور فهرست وار بیان فرمائید.**

باید توجه داشته باشیم که دانشگاه اسلامی با کارخانه‌ی اسلامی، با شهر اسلامی و جامعه‌ی عمومی اسلامی متفاوت است. در فرهنگ اسلام، دانشگاه و مهد علمی مرادف مسجد و معبد است. در وقف نامه‌های مدارس قدیمه از مدرسه تعبیر به معبد شریف شده است و در فرهنگ ما با مرادف قرار گرفتن علم و ایمان در آیه‌ی شریفه‌ی قرآن که می‌فرماید: «یرفع الله الذین آمنوا منکم و الذین اوتوا العلم درجات» (سوره‌ی مجادله آیه‌ی ۱۱) مدرسه و دانشگاه مرادف معبد است. دانشگاه اسلامی باید از تمام ویژگیها و خصایص مقدسه‌ی حاکم بر یک معبد و مسجد برخوردار باشد. انسان‌های دورن مسجد از خلوص نیت و صفای باطن و طهارت فکر برخوردارند و دقیقاً این خصایص حداقل باید در افراد یک دانشگاه اعم از استاد و دانشجو موجود باشد و همچنانکه ارتباطات اجتماعی افراد در یک مسجد بر اساس اخوت و صمیمیت و توقیر اکابر و بزرگان و ادب جوانان در برابر بزرگسالان مترتب است این فرهنگ باید در دانشگاه اسلامی استقرار یابد. ارزشهای حاکم در یک مسجد باید در یک دانشگاه اسلامی حاکم باشد. ارزش حاکم در مسجد، تقوا و هدفمند بودن در راه خداست، بطوری که ریا و کار را برای غیر خدا انجام دادن، شرک و ضد ارزش به حساب می‌آید، در دانشگاه اسلامی حاکمیت اهداف مادی و به پول و مدرک و سودکلان رسیدن باید ضد ارزش باشد،

در مسجد که شعائر اسلامی، ارزش و گرایش به شعائر کفر و اجنبی، ضد ارزش است، در دانشگاه اسلامی باید چنین باشد و گرایش به شعائر کفر که مصداق اتم و اکمل آن غریب‌دگی است باید ضد ارزش به حساب بیاید.

### **- تأثیرات عملکردی و نقش دانشگاه اسلامی در ساختار یک نظام و حکومت اسلامی چگونه است؟**

باید به این نکته توجه داشت که اسلامی‌تر شدن یک نظام حاکم منوط به وجود دانشگاه اسلامی است. از روز اول استقرار نظام مقدس جمهوری اسلامی در این کشور، با توجه به اینکه مسئولان نظام از عناصر متعبد و دلسوز و وابسته‌ی قطعی به اسلام و فرهنگ اسلام بوده‌اند به طوری که اگر یک عنصر تا چند درصد نامطلوب در این صف نفوذ می‌کرد رسوا و طرد می‌شد، متأسفانه این نظام مقدس در اجرای برنامه‌های اسلامی در ابعاد مختلف اقتصادی و سیاسی کمتر موفق بوده است. دانشگاه اسلامی فرآورده‌اش متخصص و کارشناس متعهد و متخلق به اخلاق اسلامی برای نظام است و نتیجتاً اسلامی شدن دانشگاه‌ها رابطه‌ی مستقیم با ساختار نظام و حکومت اسلامی دارد.

### **- نقش اساتید در راستای اسلامی کردن دانشگاه‌ها چیست؟ آیا این نقش می‌تواند مستند به یک سری شاخص خاص و معین تعریف گردد؟**

نقش اول را در اسلامی کردن دانشگاه‌ها اساتید دارند زیرا پایه گذار ارزش در دانشگاه استاد است و تمام مشکل غیر اسلامی بودن دانشگاه‌ها از وضع اساتید آغاز می‌شود. استاد در محیط کلاس در جریان آموزش از یک تفوق فکری بر دانشجو برخوردار است. اگرچه این استاد حتی از نظر دانشجو بیّن الغی باشد که در بعد اعتقادی و فرهنگی منفورترین عناصر از نظر دانشجو قرار گیرد، هنگامیکه بر کرسی تدریس در کلاس تکیه می‌زند و در حال ایراد مطلب یا توضیح فرمولی

است که دانشجو نمی‌داند، دانشجو احساس می‌کند که آنچه را او نمی‌داند استاد می‌داند بطور طبیعی این استاد از یک سلطه فکری و فرهنگی بر دانشجو برخوردار می‌شود و گاهی اوقات دانشجو چنان تحت تأثیر استاد قرار می‌گیرد که زشت‌ترین و حتی کریه‌ترین اشخاص در سمت استادی و تعلیم از نظر دانشجو بصورت زیباترین افراد جلوه می‌کند و همین امر باعث می‌شود که رفتار، گفتار، آداب، افکار استاد بطور دقیق بصورت ارزش در برابر دانشجو جلوه می‌کند. و اینجا است که استاد پایه گذار ارزش در دانشگاه است و تا هنگامی که فرهنگ و تفکر اسلامی در دانشگاه بصورت ارزش تثبیت نشود، اسلامی شدن دانشگاه مفهوم نخواهد داشت.

### **- وظایفی که دانشجویان به منظور اسلامی شدن و اسلامی ماندن دانشگاهها باید بر عهده بگیرند، چیست؟**

دانشجویان متدین و معتبد و انقلابی و حزب‌اللهی باید رسالت خود را در اسلامی شدن و اسلامی ماندن دانشگاهها اجرا کنند. نقشی که این برادران و خواهران می‌توانند در این جهت ایفا کنند با توجه به این نکته است که دانشگاه چون محیط آموزشی و علمی است، ارزش در این محیط مربوط به درس و علم است و عنصر ارزشمند در محیط دانشجویی فردی است که از حیث علمی و آموزشی از یک تفوق چشم‌گیری برخوردار باشد اگر دانشجویان ممتاز یک دانشگاه و مهد علمی را افراد متدین و حزب‌اللهی تشکیل دهند ویژگیهای دیانت و حزب‌اللهی بودن در آن دانشگاه بصورت ارزش در می‌آید و این مطلب را در دانشگاه امام صادق علیه‌السلام تجربه کرده‌ایم. در دوران جنگ تحمیلی در این دانشگاه رزمندگان را عموماً دانشجویان ممتاز تشکیل می‌دادند و شهدا و جانبازان و آزادگان این دانشگاه عموماً از دانشجویان ممتاز علمی تشکیل می‌شد و همین امر باعث شده بود که موضوع جبهه رفتن و رزمندگی در این دانشگاه

بصورت ارزش درآمده بود؛ آنچنانکه حتی برخی از دانشجویان که در جهت اعتقاد به انقلاب و اسلام از یک قوت بالائی برخوردار نبودند برای کسب این ارزش در اوقات گوناگون به جبهه روی می آوردند. توجه دانشجویان متدین اعم از برادر و خواهر به مسائل علمی و درسی دانشگاه و جدیت آنها در این زمینه، دیانت و تعبد اسلامی را در محیط دانشگاه به صورت ارزش در می آورد و همین امر ضامن اجرای اسلامی شدن و ضامن بقاء اسلامیت دانشگاه است.

**- برای نیل به یک دانشگاه اسلامی مطلوب و شایسته‌ی نظام اسلامی کشورمان، آیا وجود و اعمال گزینش‌های اخلاقی و رفتاری و بررسی صلاحیتهای عمومی ضرورت دارد؟ در صورت مثبت بودن، دلایل مورد نظر را فهرست وار بیان فرمایید.**

بزرگترین دلیل برای ضرورت اعمال گزینش اخلاقی در دانشگاه، ماهیت خود دانشگاه است. ما باید توجه داشته باشیم که دانشگاه، پرورشگاه نیست و دانشجو موجودی نیست که بشود با اجرای برنامه‌های تربیتی و پرورشی، صلاحیت‌ها و فضایل اخلاقی را در او بوجود آورد. در صورتیکه عناصر ناصالح در دانشگاه نفوذ کنند، سرایت فساد از این اشخاص به سایرین خیلی سریعتر و جدی‌تر شکل می‌گیرد تا اینکه بخواهند عوامل صالح، عناصر فاسد را تحت تأثیر قرار دهند.

دومین دلیلی که ما را بر ضرورت اعمال گزینش اخلاقی هدایت می‌کند، این است که در حقیقت گزینش دانشجو نتیجه‌اش در گزینش کارگزاران و کارشناسان نظام ظاهر می‌شود و دانشگاه راهرو عظیمی است که نهایت آن موقعیت‌های خطیر مدیریت جامعه است. افرادی که وارد این کانال بزرگ و عظیم می‌شوند در صورتیکه بدون گزینش از این در وارد شوند از آن در دیگر، در جایگاه خطیر نگهبانی و مدیریت جامعه‌ی اسلامی واقع می‌شوند، در حالیکه به هیچ وجه این صلاحیت را ندارند.



## - دانشگاه اسلامی را چگونه تعریف و تبیین می‌فرمایید؟ شاخص‌ها و مؤلفه‌های یک دانشگاه اسلامی کدامند؟

دانشگاه اسلامی همچنین جامعه‌ی اسلامی جانی است که ارزشهای حاکم در آن ارزشهای اسلامی باشد. اگر اصول تعبدی و اعتقادی و عملی اسلام در محیط دانشگاه به صورت ارزش بر آمد، آن دانشگاه اسلامی است و نقطه‌ی مقابل آن دانشگاهی غیر اسلامی است که اصول مغایر با مبانی اعتقادی و فرهنگی اسلام در آنجا بصورت ارزش درآید.

## - چه عواملی باعث شده‌اند که مدیران آموزش عالی و رؤسای دانشگاهها از سوی مقام معظم رهبری به عنوان مسئولان اصلی امر اسلامی کردن دانشگاه مورد خطاب واقع شوند؟

شاید یکی از عواملی که موجب شده متولیان آموزش عالی کشور در جهت فرمان اسلامی شدن دانشگاهها به عنوان مسئولان اجرایی این فرمان مورد خطاب مقام معظم رهبری مدظله‌العالی قرار گیرند، ضرورت اقدام اساسی و قوی و ریشه دار در این مورد است. مقام معظم رهبری به این نکته توجه داشته‌اند که ممکن است از نظر برخی افراد، اسلامی شدن دانشگاهها در این حد مورد برداشت قرار گیرد که ظاهر شعائر اسلامی و اجرای مراسم مذهبی در دانشگاهها متداول شود، در حالیکه اسلامی شدن دانشگاهها به یک تحول ریشه‌ای و انقلاب فرهنگی دومی در دانشگاهها نیاز دارد که اساس این تحول بعنوان یک حرکت دگرگون ساز بنیادی از منویات‌های مختلف مدیریت‌های آموزش عالی باید آغاز گردد. نقطه‌های حساس و محوری مدیریت‌های آموزش دانشگاهها در گروهها و دانشکده‌ها و کمیته‌های شورای عالی برنامه ریزی باید در تیول ارزشهای اسلامی درآید.

اسلامی شدن دانشگاهها در بُعد محتوایی از دو نقطه قابل اجراست؛ یکی تحول در واحدهای آموزشی و سرفصل‌های دروس و دوم گزینش و بکارگیری اساتید متعهد و متعهد به مبانی اسلامی. نقش جدی را در نقطه‌ی اول، عناصر گروهها و کمیته‌های شورای عالی برنامه ریزی بویژه در گروه علوم انسانی اجرا می‌کنند و در صورتیکه در آن گروهها و کمیته‌ها عواملی دست اندر کار باشند که اصول و مبانی فکری غربی برای آنها وحی منزل باشد، چگونه ممکن است به یک تحول بنیادی سرفصل‌ها و واحدهای درسی بر اساس مبانی اسلامی تن دهند و نیز نقش جدی را در نقطه‌ی دوم، هیأت مرکزی گزینش استاد و رؤسای گروههای آموزشی در دانشکده‌ها از نظر انتخاب و گزینش اساتید متعهد اجرا می‌کند در صورتیکه دست اندرکاران قضایا در این مراسم، عوامل غریب‌دهی باشند که هیچگونه پای بندی به اصول اسلامی ندارند، چگونه می‌شود در این مورد به نتیجه رسید؟

**- چنانچه اعمال گزینش‌های اخلاقی و صلاحیتهای عمومی در پذیرفته شدگان دانشگاهها را ضرورت می‌دانید، آیا گزینش می‌باید نسبت به تمامی گروهها از نظر مقاطع آموزشی همچون کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری اعمال گردد. اگر پاسخ مثبت است، لطفاً توضیح دهید اعمال گزینش‌ها با دیدگاهی یکسان باشد یا با اعمال تفاوت‌های خاص در مورد رشته‌های مختلف، صورت پذیرد؟**

با توجه به ضرورت گزینش در عموم مقاطع تحصیلی دانشگاه، توجه به این نکته لازم است که اجرای مراحل گزینش در یک مقطع دانشگاهی برای مقطع بالاتر آن مفید نیست، بلکه در هر مقطعی باید گزینش خاص آن مقطع صورت گیرد، زیرا در گزینش دانشجو دو اصل باید رعایت شود ۱- احراز صلاحیت عمومی وی جهت گام گذاشتن در محیط معنوی دانشگاه ۲- صلاحیت وی برای بدست

آوردن آن مدارک و شخصیت علمی و اجتماعی که در نتیجه‌ی تحصیل پیدا می‌کند. ممکن است یک دانشجوی دارای صلاحیت عمومی ورود به دانشگاه باشد و در سطح کاردانی یا کارشناسی از نظر موقعیت علمی و اجتماعی که به صورت یک کارمند ساده و یا مسئول یک اداره و قسمت بتواند انجام وظیفه کند، ولی در صورتیکه بخواهد در مقطع فوق لیسانس در یک گرایش خاص بعنوان کارشناس ارشد در جامعه جای باز کند یا به عنوان یک دکتر و محقق مسئولیت بالایی در نظام یا در کادر آموزشی عالی اجرا کند صالح نباشد، ما باید توجه داشته باشیم که افراد بر حسب مدرک و شخصیت علمی خود در اجتماع جا باز می‌کنند.

و نکته‌ی دومی که باید در گزینش رعایت شود، دارا بودن استعداد و توان فکری لازم برای تحصیل در محیط دانشگاه مخصوصاً در رشته‌های علوم انسانی است زیرا افرادی که واجد صلاحیت‌های عمومی و اخلاقی هستند و افراد متدینی به حساب می‌آیند اگر دارای یک ذهن وقاد و استعداد سرشاری نباشند، صرف نظر از اینکه بجائی نخواهند رسید و نیروی ارزشمندی برای امت اسلامی نخواهند بود، در تضارب افکار و مباحث، قدرت تجزیه و تحلیل ندارند و حق را از باطل نمی‌توانند تشخیص دهند و چه بسا تحت تأثیر مطالب و افکار انحرافی قرار گیرند و صلاحیت آنها به عدم صلاحیت مبدل شود.

**- در صورت مثبت بودن نظرات درباره‌ی اعمال گزینش و صلاحیتهای عمومی، به نظر شما گزینش‌ها می‌باید در خصوص کدام یک از رشته‌های تحصیلی یا گروههای آموزشی اعمال گردد؟**

اعمال گزینش‌ها در رشته‌های مختلف آموزشی دانشگاهی باید متناسب با آن رشته باشد مثلاً گزینش فیزی که می‌خواهد یک کارشناس یا کارشناس ارشد حقوق بشود و دماء و اموال مسلمین در تحت اختیار او قرار گیرد با گزینش یک فردی که بنا است به عنوان یک مهندس مکانیک در محیط کارگاه انجام وظیفه

کند متفاوت است، البته باز تأکید می‌کنم که گزینش برای همه‌ی آنها ضرورت دارد و با توجه به اینکه در خروجی مقطع دکترا در هر رشته‌ای به سوی دانشگاه باز می‌شود باید اصول گزینش در مقطع دکترا بیش از سایر مقاطع رعایت شود.

**- قانون، تصریح نموده است که اساتید دانشگاهها را می‌توان پس از گذشت مدت زمان تعیین شده‌ی خدمت موظف، بازنشسته نمود، آیا با بازنشسته کردن اساتید پس از سپری شدن زمان تعیین شده در قانون به منظور ایجاد زمینه‌ی مساعدتر برای حضور اساتید جدید، جوان و متعهدتر به نظام اسلامی موافقت دارید؟**

جریان استاد در دانشگاه خطیرترین مسئله است که باید با دقت و ظرافت کامل با آن برخورد شود. در مورد اساتید دانشگاه یک تجربه‌ی شکست خورده در ابتدای انقلاب در جریان انقلاب فرهنگی داشتیم و باید سعی شود دومرتبه آن آزمایش منفی تکرار نشود. در آن مرحله عده‌ای از اساتید بصرف احتمال وابستگی به رژیم گذشته یا بی تفاوت بودن آنها در برابر جرائم و جنایات رژیم به صورت بازنشسته کردن از دانشگاهها پاکسازی شدند و به مجرد بازگشائی دانشگاهها همان افراد را با یک امتیازات خیلی بالاتر به عنوان استاد مدعو دوباره به سر کلاسها آوردند و این مورد در هر رشته و دانشکده‌ای نمونه هایش بسیار بود. و طرح اجرائی این هدف به این ترتیب است که با صلاح هیأت مرکزی گزینش استاد و گروههای مربوطه، راه نفوذ و ورود عناصر با سواد و تحصیل کرده متدین اعم از دانشگاهی و حوزوی به داخل دانشگاهها باز شود و این امر جز با ایجاد تحول در وضع امکانات و مزایای مالی و حقوقی اساتید امکان پذیر نیست. در شرایط فعلی با توجه به گرفتاریهای زندگی و از آن طرف وضع اسف بار حقوق اساتید، افراد رغبت کار در دانشگاه را پیدا نمی‌کنند. همان دانش آموخته‌ی متدین و انقلابی که با مدرک P.H.D از خارج برگشته و ایمان و حس انقلابی او هم

محفوظ است. اولی که بر می‌گردد که نه خانه دارد نه اتومبیل و نه امکانات اولیه‌ی زندگی. بدیهی است که باید کار خود را از جایی شروع کند که در اسرع اوقات بتواند این امکانات را فراهم کند، اذناز همان اول یا به سراغ کار در دانشگاه نمی‌آید و اگر هم در دانشگاه کاری انتخاب کند چند ساعت تدریس مختصر و بقیه‌ی اوقات خود را در مشاغل درآمد ساز دیگر بگذراند.

امروزه شما ارزیابی کنید حقوق یک معلم دانشگاه با هم پایه وی در بُعد علمی و تخصصی در هیچ نهاد و تشکیلاتی اعم از دولتی و خصوصی قابل مقایسه نیست. شما فیش حقوقی یک استادیار پایه یک دانشگاه را با یک فردی که دارای مدرک دکترا در رشته‌ی وی هستید در هر نهاد و ارگان و تشکیلاتی بررسی و مقایسه کنید و در مورد حل مشکل برآیید، وزارت آموزش عالی برای تأمین معاش اساتید چاره‌ای اندیشید و آن‌ها را بالا بردن حق التدریس اساتید بود و این امر باعث شد که دانشگاه‌ها از اعضای هیأت علمی تمام وقت خالی شد و همه به تدریس روی آوردند و مدیریت‌ها به زمین ماند و سرنوشت دانشجو به دست یک کارمند دفتری دیپلمه یا لیسانس دانشگاه افتاد. در حالیکه همه‌ی حرکت‌ها باید از مدیریت‌ها آغاز شود و مدیریت‌ها باید در دست افراد دانشمند و اساتید متدین و متعهد قرار گیرد.

در هر حال حل مشکل اساتید با وارد شدن افراد فعال جوان، باسواد، متدین در دانشگاه‌هاست که با حل مشکلات اساسی، این مطلب امکان پذیر است.

**- چه نکات و مواردی را به عنوان شاخص گزینش اخلاقی و صلاحیتهای عمومی باید در نظر گرفت؟ لطفاً این موارد را با التفات به مقاطع تحصیلی مختلف و رشته‌های تحصیلی مجزا (علوم انسانی - تجربی و...) مورد ملاحظه و توجه قرار دهید؟**

در مورد هر رشته‌ای شرایط متناسب با آن دقیقاً باید بررسی و مطالعه شود و

تنها نمی‌شود شرایط لازم را در تفکیک گروه‌های تجربی، انسانی، ریاضی دسته بندی کرد، بلکه در گروه علوم انسانی مثلاً هر رشته‌ای از شرایط متناسب با خود برخوردار است که دقیقاً با شرایط رشته‌ی دیگر در همین گروه مغایر است و بدیهی است که در این مورد بررسی و کار ویژه‌ی تخصصی می‌طلبد.

**- راهکارهای اسلامی شدن دانشگاهها کدامند؟ لطفاً با توجه به وضعیت جامعه‌ی کنونی توضیح دهید.**

خوشبختانه ما از یک اجتماع ارزشمند در کشور برخورداریم که با تکیه بر این اجتماع عظیم انقلابی راهکار اسلامی شدن دانشگاهها میسر به نظر می‌رسد. یک تجربه‌ی موفق در جریان انقلاب فرهنگی داشتیم و آن اینکه برای نجات دانشگاهها از تیول گروههای محارب و ملحد، مردم را به صحنه‌ی دانشگاه کشانیدیم و حضور مردم در صحنه‌ی دانشگاه مشکل را حل کرد، متأسفانه پس از بازگشایی دانشگاهها این تجربه ادامه پیدا نکرد. بدیهی است که اسلامی شدن دانشگاهها ابتدا با حاکمیت ارزشهای اسلامی در محیط دانشگاه اجرا شدنی است و اولین حرکت برای اجرای این هدف، تحول جوّ اجتماعی و ظاهر دانشگاه است که آن با وارد کردن جریان‌های عظیم مذهبی مردمی در محیط دانشگاه شدنی است و به تعبیر ساده‌تر اگر دانشگاه بودن را از نظر جوّ و محیط به مسجد بودن نزدیک کنیم، اگر دانشگاه فضای معبد را پیدا کند، ظواهر شرع در محیط دانشگاه بصورت ارزش در می‌آید، البته اینجا کار تمام نیست باید با ایجاد شبکه‌های مشاوره‌ای، اداری، فرهنگی، این ارزش را در عمق دانشگاه که کلاس و درس و استاد و آخر کار خود دانشجو است نفوذ داد.

**- به منظور اعمال هرچه بیشتر و مطلوبتر هماهنگی و همکاری بین نهادهای فرهنگی در دانشگاهها؛ همچون نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری، معاونتهای فرهنگی، دانشجویی، انجمنهای اسلامی، بسیج**

## دانشجویی، جهاد دانشگاهی و سایر تشکلهای موجود در دانشگاهها، چه پیشنهادهایی دارید؟

با توجه به اینکه دانشگاه یک تشکیلات است که تمام مسائل آن باید در تحت مدیریت خاص اداره شود، مسائل فرهنگی دانشگاه جدای از سایر مسائل دانشگاه نیست، در دانشگاه یک مسئول و متولی امور فرهنگی لازم است. البته نه مسئولی که فقط رئیس باشد بلکه مسئولی که از نظر دستگاههای رسمی و مردمی کشور قابل مؤاخذه باشد و در برابر هر خسارت فرهنگی در دانشگاه پاسخگو باشد. با وجود چنین مسئولی، عموم حرکتهای فرهنگی در دانشگاه از هر نهاد و هر تشکل دانشجویی باید بوسیلهی وی مدیریت شود و هماهنگی و همکاری بین نهادهای فرهنگی و تشکلهای دانشجویی در دانشگاه با مدیریت آن مسئول اجرا شدنی است.

**- برخی معتقدند که برای اسلامی شدن دانشگاهها باید به فعالیت‌های سیاسی دانشجویان به عنوان یک اصل اساسی اهمیت لازم داده شود، نظر شما در این باره چیست؟**

نظر بنده در این قسمت مثبت است، زیرا انقلاب جدای از اسلام نیست و نیز سیاست جدای از انقلاب نمی‌باشد. دانشگاه اسلامی دارای دانشجوی مسلمان است، دانشجوی مسلمان باید انقلابی باشد. مسلمان غیر انقلابی مسلمان شناسنامه‌ای است و فرد مسلمان و انقلابی نمی‌تواند در صحنه‌ی سیاست نباشد. سیاسی بودن دانشجویان باید در تحزب و جناح بندی و گروه بازی‌های سیاسی که بیشتر عامل تفرق و تضعیف عناصر اسلامی است، در دانشگاه دید. آگاهی دانشجویان از اوضاع سیاسی جهان، موضع‌گیری‌های دشمنان اسلام و انقلاب بویژه عوامل استکبار و سلطان بزرگ، روند حرکت و تحوّل سیاست داخلی و خارجی کشور، آشنائی با اصول و مبانی سیاست اسلام، تجزیه و تحلیل



عملکردهای دولت و نظام، پی‌گیری توطئه‌های ظالمانه و فرصت طلبانه‌ی عناصر سودجو و اپورتونیست، در صحنه‌های دفاع از مقدسات اسلام و ارزشهای انقلاب حضور فعال داشتن؛ همه‌ی اینها از علل و عواملی است که دانشجو را مسئول نگه می‌دارد و خود مسئول بودن دانشجو بهترین و قوی‌ترین عاملی است که از اصول بنیادی اسلامی مانند دانشگاهها (ارزشها) دفاع و حمایت کند.

**- برخی بر آن عقیده هستند که با مقایسه‌ی دانشگاهها در گذشته و حال، دانشگاهها اسلامی هستند و منحصرأ می‌باید اسلامی‌تر شوند و بر این باورند که مراد مقام معظم رهبری نیز اسلامی‌تر کردن دانشگاهها بوده است، نظر شما در این باره چیست؟**

دور از جسارت باید عرض کنم افرادی که چنین عقیده‌ای دارند در ارتباط با عظمت انقلاب خیلی نظرشان صحیح نیست. شما دانشگاهها را در اجتماع اسلامی این امت با دانشگاه در اجتماع کفر و فسق نظام ستم‌شاهی مقایسه نکنید. اسلامی شدن دانشگاهها را با اسلامی شدن سایر مظاهر مراکز اجتماعی این امت انقلابی مقایسه کنید.

دانشگاه با توجه به اینکه مرکز علم و فکر و اندیشه و معارف است و با توجه به اینکه در پیروزی انقلاب مقدس اسلامی دانشگاه سهم عظیمی را به عهده داشت، تحول اسلامی شدن دانشگاه نسبت به بسیاری از مظاهر اجتماعی این امت که اهمیت فرهنگی دانشگاه را ندارند خیلی کمتر بوده است.

**- چه پیشنهادهایی به منظور جهت یافتن علوم آموزشی در راستای اسلامی کردن دانشگاهها دارید؟**

پیشنهاد بنده در این مورد این است که جمعی از صاحب‌نظران دلسوز از حوزه و دانشگاه در خصوص تجربه‌ی اجراء شده در دانشگاه امام صادق (ع) از نظر تلفیق معارف و علوم اسلامی با برخی از علوم انسانی یک بررسی دقیق و همه‌جانبه



بفرمایند. بنده مدعی نیستم آنچه عملی شده یک طرح صد در صد کامل و بی اشکالی است و مسلم خبان بهتر از این هم می‌شود عمل کرد. این طرح در این دانشگاه نتایج مثبتی به بار آورده است و این مسئله قابل مطالعه و بررسی است که این طرح در عموم دانشگاههای کشور در ارتباط با رشته‌های مختلف علوم انسانی تا چه اندازه و به چه صورت قابل اجراست. نکته‌ی دوم بنده تلفیق دانشگاهها و مراکز آموزشی عالی، علوم پزشکی و فنی مهندسی با دانشگاههای علوم انسانی است؛ زیرا جریانهای اسلامی شدن دانشگاهها در حد نفوذ در دروس و استاد و کلاس ابتدائاً در رشته‌های علوم انسانی امکان پذیر است و در صورتیکه در یک دانشگاه با وجود چند دانشکده‌ی علوم انسانی با کیفیت اسلامی یک دانشکده‌ی علوم پزشکی یا فنی مهندسی مستقر شود، از نظر فکر و عقیده و ارزش تحت تأثیر قرار خواهند گرفت.

**- برخی بر این باورند که مراد از اسلامی کردن دانشگاهها در ارتباط با اسلامی کردن برخی از رشته‌های آموزشی و بیشتر در مقوله‌ی رشته‌ی علوم انسانی مورد نظر بوده است، نظر شما در این باره چیست؟**

فکر می‌کنم قسمتی از این سؤال در پاسخ سؤال قبلی عرض شد. البته وجود رشته‌های آموزشی در ارتباط با علوم و معارف اسلامی در دانشگاهها عامل ترویج تفکر اسلامی خواهد بود و ترویج تفکر اسلامی در دانشگاه نقش عمده‌ای در اسلامی کردن دانشگاهها دارد.

**- آیا اعمال تغییرات بنیادی در علوم و دروس رشته‌ی علوم انسانی که در این مقطع زمانی در دانشگاهها تدریس می‌شوند، برای تحقق فرامین مقام معظم رهبری دایر بر اسلامی کردن دانشگاهها ضرورت دارد؟ لطفاً با لحاظ نمودن حالات مختلف توضیح دهید.**

آنچه در ارتباط با علوم انسانی ضرورت دارد یک حرکت اساسی و بنیادی است که باید از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی شروع می‌شد که متأسفانه صورت نگرفت و آن استکشاف مبانی اسلامی در رشته‌های مختلف علوم انسانی از منابع غنی و پر بار اسلام بوده است و شاید رسالت اصلی و محوری ستاد و سپس شورای انقلاب فرهنگی در ارتباط با آموزش عالی کشور و دانشگاه‌ها همین بوده است. زیرا انقلاب و دگرگون سازی در علوم تجربی معنی ندارد. این انقلاب و دگرگونی باید در علوم انسانی مبتنی بر مبانی مادی و غربی صورت گیرد و آنها را مبتنی بر مبانی مقدس اسلامی ارائه دهند که این کار نشد و تنها به تصویب چند واحد عمومی معارف اسلامی و تاریخ و تربیت اسلامی بسنده شد.

**- به نظر شما علمی که اکنون در دانشگاه‌های ایران تدریس می‌شوند، جهت اسلامی دارند؟ اگر چنین نیست آیا می‌توان تمهیدی اتخاذ کرد تا علوم را به دو بخش اسلامی و غیر اسلامی دسته بندی نمود؟**

پاسخ این سؤال ادامه‌ی مطلب در پاسخ سؤال قبلی است. تقسیم بندی علوم به اسلامی و غیر اسلامی بی معنی است. علم، علم است. علوم از یک سلسله اصول موضوعه تشکیل شده که آن اصول موضوعه بدیهیاتی هستند که از نظر عقلی و فطرت بشر پذیرفته شده است، چه مسلمان و چه غیر مسلمان؛ در ابتدا آن اصول نظری بودند و سپس در قالب استدلال‌ات منطقی و یا تجربیات و استقرائات کامله به صورت بدیهی در آمدند. علاوه بر این، اصولاً در علوم، یک سلسله فرضیاتی وجود دارد که آن فرضیات مبتنی بر یک سلسله مبانی است و اثبات یا نفی آن فرضیات در یک قسمت متوقف بر کیفیت برداشت از مبانی است و اینجاست که پای اسلام به میان می‌آید که آن مبانی منطبق با مبانی اعتقادی، اخلاقی - فقهی اسلام است یا مخالف با مبانی اسلام است و بر فرض انطباق، آیا برداشت صحیح و مستدل از مبانی اسلامی همان نتیجه را می‌دهد یا خیر؟ و

طبیعی است از دیدگاه یونان، مسلمان نتیجه‌ی آنچه مبتنی بر مبانی مخالف مبانی اسلام باشد نمی‌تواند به عنوان علم مطرح بشود که شما علوم را به دو دسته تقسیم کنید، اسلامی و غیر اسلامی.

### **لطفاً تبیین نمائید که فضای مناسب دانشگاه اسلامی چیست؟**

در ارتباط با پاسخ این سؤال در گذشته بطور کامل بحث شد و نتیجه‌ی آن مباحث در یک جمله خلاصه می‌شود که فضای مناسب با دانشگاه اسلامی فضای یک مسجد و یک معبد است.

**- چنانچه ایجاد فضای مناسب و همچنین تغییر محتوی دروس در عداد مقدمات اسلامی شدن دانشگاهها بشمار آیند، کدامیک را به منظور تحقق دانشگاه اسلامی در اولویت نخست قرار می‌دهید؟**

این دو مطلب متوقف بر یکدیگر و نیز متوقف بر امکانات مشترکی نیست که در مقام اولویت بندی بخواهیم یکی را پیشتر و دیگری را بعدتر قلمداد کنیم؛ بلکه این دو حرکت در کنار هم باید صورت بگیرد و این دو حرکت در کنار هم مکمل یکدیگرند، بطوری که اثر جدای از هم صورت گیرند، ناقص خواهند بود و به نتیجه نمی‌رسد.

**- در مقایسه با ساختار و فضای موجود جامعه‌ی کنونی کشور، فضای حاکم بر دانشگاهها چگونه باید باشد تا امر اسلامی شدن دانشگاهها محقق شود؟**

علاوه بر تکیه بر ساختار گذشته که فضای دانشگاه باید بسوی فضای مسجد بودن و معبد بودن پیش برود، آمیزش جریان‌های حوزوی با دانشگاهها از این حیث کمک بزرگی است. چه اشکالی دارد تعدادی از نشست‌ها و همایش‌های حوزه در دانشگاهها اجرا شود و نیز برخی از مراکز تحقیقاتی و پژوهشی حوزه و احیاناً برخی از کلاسهای درسی و جوامع مباحثاتی حوزه در دانشگاهها مستقر شود؟

**پس از بازگشایی مجدد دانشگاهها و به تشخیص ستاد انقلاب فرهنگی، دروس معارف اسلامی، تاریخ اسلام و آشنایی با نهضتها و غیره در مجموعه‌ی دروس دانشجویان دانشگاهها قرار گرفت، آیا انجام چنین امری در راستای اسلامی کردن دانشگاهها بوده است؟ اگر چنین بوده، تا چه میزان خواسته‌های مورد نظر تأمین شده‌اند؟**

باید با کمال تأسف به عرض برسانم انجام این امر به قصد اسلامی کردن دانشگاهها بوده است، اما کیفیت و اجرای طرح تا حدی به نقض غرض منجر شده است. دروس معارف اسلامی بصورت یک نواخت در همه‌ی رشته‌های علوم انسانی و تجربی به عنوان واحد عمومی تدریس شده، به این صورت که به دانشجوی پزشکی، خدا همچنانکه برای دانشجوی الهیاب در قالب حرکت جوهری اثبات می‌شود اثبات شود. آنچه به عنوان معارف و عقاید اسلامی به صورت درس بنا است به دانشجو ارائه شود در هر رشته‌ای یک جریان خاص و مطالب مخصوص و ویژه‌ای می‌طلبد. زیرا دانشجو در ارتباط با تعلم مطالب هر رشته‌ی تخصصی با یک سلسله مسائل و مطالبی روبرو می‌شود که اندیشه و عقیده‌ی اسلامی موروثی وی را زیر سؤال می‌برد و قبلاً با آموزش معارف اسلامی، دانشجو باید در خصوص آن اشکالات و شبهات واکسینه شود و متأسفانه تاریخ اسلام هم از سرنوشتی شبیه به دروس معارف اسلامی برخوردار بوده است. درس اخلاقی و تربیت اسلامی بیش از جریان پاس کردن واحد و نمره گرفتن باید به صورتی اجرا شود که دارای اثر عملی باشد و اینجاست که باید گلایه کرد غیر اسلامی شدن دانشگاهها گناهی تنها بر گردن اساتید و شورای انقلاب فرهنگی و متولیان آموزش عالی کشور نیست. بزرگان اسلام در جامعه‌ی اسلامی ما شاید نقش اول گنهکار را در این زمینه دارا می‌باشند. موضوع دانشگاه پس از پیروزی انقلاب مقدس اسلامی از نظر بزرگان خیلی کوچک دیده شد و برخورد با سرنوشت

اسلامی و ایمانی دانشجوی میلی ناچیز به حساب آمد و برخی بزرگان عزیز و اساتید گرانبهای حوزه که شاید حاضرند روزی دو سه ساعت وقت خود را صرف ۴ تا ۵ شاگرد خود کنند، حاضر نشدند هفته‌ای دو ساعت وقت خویش را صرف سازندگی یک جمعیت صدنفره‌ی دانشجوی بنمایند و یا بالاتر، عزیزی که حاضر است شبی یک ساعت در مسجد محل پس از اقامه‌ی فریضه‌ی مغرب و عشاء وقت خود را صرف بیان و بحث اخلاقی و تربیتی برای مأمومین خود کند حاضر نشد این حدیث اخلاقی و بیان گریم سازنده‌ی خود را صرف دانشجوی جوان سر نوشت ساز این امت و جامعه‌ی اسلامی کند، و همان‌هایی که از اجرای مسئولیت‌های قضائی و اقامه‌ی حدود الهی در زیر سایه‌ی یک نظام مقدس اسلامی، به بهانه‌ی ترس از مظلوم و رعایت جانب احتیاط، سرباز زدند، نیامدند محیط دانشگاه‌ها را به دست بگیرند و واحدهای آموزشی اخلاق و تربیت اسلامی در دانشگاه‌ها بوسیله‌ی عوامل صاحب نفس قدسی اجرا شود و دانشگاه را مسجد بسازد.

**- گنجاندن دروس معارف اسلامی در عداد دروس دانشگاه‌ها را با توجه به مقوله‌ی اسلامی شدن دانشگاه‌ها ارزیابی فرمائید؟**

با اجرای آنچه در پاسخ سؤال گذشته عرض شد این مطلب از بزرگترین گام‌ها در جهت اسلامی شدن دانشگاه‌ها ارزیابی می‌شود.

**- آیا اسلامی کردن دانشگاه‌ها از طریق اسلامی کردن علوم یا جهت اسلامی دادن به علوم در ارتباط با تمامی رشته‌ها می‌باید صورت پذیرد. و یا این امر منحصراً در ارتباط با رشته‌های علوم انسانی می‌تواند مطرح باشد؟**

اسلامی کردن علوم با جهت اسلامی دادن به علوم متفاوت است. بنده معتقدم مطلب اول در مورد علوم انسانی معنی دارد و مطلب دوم در خصوص سایر علوم. آنجا که اسلام خود مبنای مستقلی دارد و اصولی را عرضه نموده که می‌توان

پایه‌ی فرضیه‌ها و قواعد را بر آنها استوار نمود، در عموم رشته‌های علوم انسانی است و آنجا که باید علم را بسوی اسلام جهت داد سایر علوم است؛ زیرا در رشته‌های پزشکی و فنی مهندسی باید دید شخص محصل و دانشجو در آموختن و کسب تخصص در این رشته‌ها چه هدفی دارد؟ ممکن است وی با یک هدف مادی یا اجتماعی این رشته را بیاموزد. امکان دارد با یک هدف مقدس معنوی به دنبال این رشته برود که طبیعی است این هدف هم در کیفیت آموزش وی اثر می‌گذارد و هم در کیفیت بهره‌برداری از تخصص او مؤثر است. یک فردی که از یک استعداد سرشار برخوردار است و در رشته‌ی فیزیک اتمی تحصیل می‌کند و در جریان تخصص این رشته به مراتب عالی‌ه نائل می‌شود، ممکن است هدف وی در این رشته خدمت به امت اسلامی و استوار ساختن مبانی نظام مقدس اسلامی و ایجاد عظمت برای کیان قرآن و دین باشد و از تخصص بالای خود در این راه استفاده کند و همه‌ی امکانات علمی و تخصصی خویش را وقف اسلام کند و وجود او از یک عابد از یک فقیه از یک فیلسوف برای اسلام و مسلمین ارزنده‌تر قرار گیرد. در صورتیکه اگر بجای این هدف یک هدف مادی او را به سمت این رشته سوق دهد پس از بدست آوردن تخصص بالای خود وقتی منافع مادیش را در مزدوری دشمنان اسلام احساس کند از هر محارب و شیطانی برای اسلام و مسلمین مضرت‌تر قرار می‌گیرد و اینجا است که احساس وظیفه می‌شود در علوم سایر رشته‌ها غیر از علوم انسانی، باید جهت اسلامی داده شود که تا پرورش یافتگان قبة الاسلام به دشمنان اسلام مبدل نشوند.

**- حوزه‌های علمیه به چه شیوه‌هایی می‌توانند در اسلامی کردن دانشگاهها نقش خویش را ایفا نمایند؟**

معتقدم حوزه‌های علمیه نقش عمده‌ای می‌توانند در اسلامی کردن دانشگاهها ایفا کنند البته به شرط اینکه احساس وظیفه در این جهت به

شخصیت‌های بالای حوزه دست بدهد و آنها باور کنند که در مسئله‌ی دانشگاه‌ها باید شخصاً همان مباشرین را که در حوزه دارند داشته باشند، تنها با پرورش معلم و استاد برای دروس معارف اسلامی مشکل حل نمی‌شود. ما در حوزه نیروهائی داریم که قادرند بصورت بندی در مدیریت‌های مختلف دانشگاه انجام وظیفه کنند ولی متأسفانه از آن محدوده خارج نمی‌شوند. البته بنده در مقام جسارت به اساتید و بزرگان حوزه نیستم. اینطور نیست که آنها موضوع را بشناسند و بدانند و در عین حال از انجام وظیفه بین تخلف کنند، تمام مشکل این است که اهمیت موضوع و مسئله‌ی دانشگاه برای این بزرگان محسوس و ملموس نیست. در هر حال یکی از شیوه‌های دیگر اسلامی کردن دانشگاه‌ها ممزوج نمودن حوزه با دانشگاه است تا آنجا که محیط و کلاسهای دانشگاه حال و هوای فیضیه را پیدا کند. تمام مشکل دانشگاه هم پس از انقلاب فرهنگی در این است که دانشگاه بصورت یک جریان مستقل جدای از حوزه نگهداشته شده است.

**- برخی بر این باورند که به منظور اسلامی کردن دانشگاه‌ها، می‌باید شیوه‌ی تعلیم و تعلم دانشگاه‌ها را دگرگون نموده و همچون حوزه‌های علمیه عمل نمود. آیا چنین امری ممکن است؟ آیا در صورت امکان به منظور نیل به اسلامی کردن دانشگاه‌ها، ضروری است؟**

مقصود شما از دگرگونی شیوه‌ی تعلم و تعلیم روشن نیست. اگر مقصود این است که نظام واحدگیری و فصل بندی منظم دوره‌ی آموزشی را در دانشگاه به نظام آموزش آزاد حوزه تبدیل کنیم معلوم نیست در ارتباط با ماهیت علوم و رشته‌های دانشگاهی این دگرگونی امکان داشته باشد یا بر فرض امکان نتیجه‌ی مثبت بدهد و اگر مقصود این است که آموزش حوزوی از یک سلسله مزایایی برخوردار است که آن مزایا در دانشگاه وجود پیدا کند باید گفت نظام دانشگاهی هم از یک سلسله مزایا برخوردار است که سزاوار است در حوزه نیز اجرا شود. آنچه



از نظر تعلیم و تعلم در حوزه موجود است که می‌تواند در اسلامی کردن دانشگاهها نقش مؤثر داشته باشد جهت داشتن تحصیل در حوزه است. یک طلبه که در حوزه تحصیل می‌کند از ابتدای ورود به حوزه، فکر توسعه‌ی زندگی و نیل به اَمال و آرزوهای مادی و نفسانی در نتیجه‌ی طی مراحل آموزش در مغز او جولان ندارد. و لذا زندگی یک مدرس عالی مقام در حوزه پس از نیل به مراتب کمال علمی او با زندگی در ابتدا و یا اواسط طلبگی خیلی تفاوت نمی‌کند. جهت تحصیل در حوزه سرباز امام زمان (عج) بودن است. اگر بتوانیم این جهت دادن را در دانشگاه برای تعلیم و تعلم پیاده کنیم، البته حرکت عظیمی در خصوص اسلامی شدن دانشگاهها صورت داده‌ایم که دانشجو خود را سرباز امام زمان (عج) و تعلیم و تعلم و تدریس خود را خدمت به وجود مقدس امام زمان (عج) احساس کند.

**برخی از صاحب نظران معتقد هستند که چون تاریخ شکل‌گیری دانشگاهها در ایران، در گذشته و در زمان قبل از انقلاب اسلامی بوده، با اهداف عالی‌ی نظام اسلامی همخوانی نداشته است و عده‌ای نیز با اعمال برخی از اغراض باعث جدایی دانشگاهها از اسلام (همان شیوه‌ها و مواردی که در ارتباط با جدایی دین از سیاست مطرح بوده و هست) گردیده‌اند. بطوریکه همین امر، کار اسلامی کردن دانشگاهها را با دشواریهای بسیار همراه نموده است، نظر شما چیست؟**

بنده بر این عقیده هستم که چون تأسیس دانشگاه در این کشور بوسیله‌ی نظامی صورت گرفت که با همه‌ی امکانات به جنگ اسلام آمده بود و هر نوع حرکتی را در این کشور در بُعد توسعه و زندگی بصورت یک ابزار برای مبارزه با دین در آورده بود و از تأسیس دانشگاه هم در این جهت بهره‌برداری‌های زیادی نمود، این باعث شد که از همان ابتدا عناصر متدین و با ایمان بنای دشمنی را با تمام مظاهر تمدنی که نظام رضا خانی در این کشور وارد کرد، گذاردند. نمونه‌اش آن



همه مبارزه با کلاه پهلوی در آن زمان بود. در حالیکه مسئله‌ی کلاه به عنوان یک کلاه بر سر گذاشتن یا بر سر نگذاشتن آنقدر اهمیت ندارد که این قدر در راه مبارزه با آن صرف نیرو بشود چون این کلاه بار منفی فرهنگی در نظر متدینها پیدا کرده بود لذا در راه مبارزه با آن، از همه نیرو مصرف می‌کردند. دقیقاً دانشگاه به عنوان یک معهد علمی برداشت می‌شد که ابزار جنگ با تفکر و فرهنگ و علوم اسلامی است. و باید گفت این برداشت یک برداشت خیالی نبود بلکه یک کشف حقیقی بود. لذا دستگاه جائرانه‌ی حکومت سعی بر این داشت که دانشگاه کوچکترین صبغه‌ی دینی به خود نگیرد و مظاهر کفر و فسق در آن متجلی باشد و طبیعی بود که در این صورت بزرگترین جریان علمی اسلامی موجود در کشور، که حوزه است، جداً از دانشگاه فاصله بگیرد تا جائیکه در همین زمان‌های اخیر پیش از انقلاب اگر طلبه‌ای به دانشگاه می‌رفت و تحصیلات دانشگاهی می‌نمود در حوزه شدیداً مطعون بود و این جدائی که هر طری بیش از نیم قرن رسوباتی داشته است بدیهی است که موجب دشواری اسلامی کردن دانشگاهها بشود.

**- آیا می‌توان یکی از علل‌های عمده و اساسی اسلامی نشدن دانشگاهها را پس از گذشت قریب به ربع قرن از انقلاب اسلامی در موضوع جدایی دین از سیاست دانست؟ و اساساً آیا این دو را می‌توان از یک زاویه‌ی دید نگریست؟**

نغمه‌ی شیطانی انفکاک دین از سیاست از کهنه‌ترین و قدیمی‌ترین ابزار توطئه علیه اسلام بوده است که از صدر اسلام سابقه داشته و بلکه باید این مطلب را دکتترین سقیفه بنی ساعد دانست که با همین فرضیه‌ی شیطانی رهبری اسلام را از مسیر امامت و ولایت الهی جدا کردند، و متأسفانه از آن جمله مکائد و حیل شیطانی است که پس از قرن‌ها هنوز کاربرد دارد، تکرار و تداول نغمه‌ی مسموم انفکاک دین از سیاست یکی از مظاهر بزرگ غیر اسلامی بودن دانشگاههاست اما همه‌ی مطلب این نیست.

- آیا طرح نمودن اندیشه‌ی «نخست باید جامعه اصلاح شود و اسلامی گردد تا دانشگاه آن اسلامی شود»، در ارتباط با مقوله‌ی اسلامی شدن دانشگاهها به چه میزان قابل التفات است؟ لطفاً مشخص فرمایید اساساً طرح چنین اندیشه‌ای در این برهه‌ی زمان، معقول و مناسب است یا خیر؟

این اندیشه دقیقاً برخلاف فرمایش امام بزرگوارمان - قدس سره الشریف - است که دانشگاه را وسیله‌ی سازندگی جامعه معرفی کردند و برضد اندیشه‌ی مقام عصمت (ع) است که فرموده: «إذا فسد العالم فسد العالم».

- بسیاری اعتقاد دارند که دانشجویان جوان به عنوان ذخایر مادی و معنوی ارزشمند هر کشوری تلقی می‌شوند و تربیت و تأدیب این قشر از ارجحیت و اولویت خاصی برخوردار است، چه مواردی را برای تربیت قشر جوان دانشجو و تأدیب آن پیشنهاد می‌نمائید؟

اطلاق کلمه‌ی تربیت و تأدیب نسبت به جوان سخت اشتباه است، زیرا اینگونه اطلاقات نسبت به متولیان امر الهام بخش خواهد بود. جوان باید راهنمایی شود نه تربیت. دانشگاه پرورشگاه نیست. منتها راهنمایی باید بصورتی انجام بگیرد که احساسات لطیف جوان را جریحه دار نکند و در او گرایش و علاقه بوجود آورد و مبتنی بر یک منطقی باشد که فکر نو طلب جوان را ارضاء نماید.

- بی گمان دانشجویان جوان به دلیل روحیات و ویژگیهای خاصی که دارند، بسیار الگوپذیر می‌باشند. لطفاً الگوی مناسب و مطلوب یک دانشجوی مسلمان که نقش عمده‌ای را در اسلامی کردن دانشگاهها می‌تواند ایفاء نماید تعیین و تبیین فرمائید.

با توجه به شدت الگو پذیری جوان و یا به تعبیر دیگر قدرت اجرائی اصل محاکات در جوان؛ الگو باید در محیط دانشگاه از نظر جوان دانشجو به عنوان الگو

مورد قبول قرار گیرد و شخصی از توان الگو شدن برای جوانان برخوردار است که بتواند احساسات آنها را استیقام کند، آنگاه است که اگر این الگو به سجایا و تعبد دینی متلبس باشد قدرت سازندگی جوان و نقش آفرینی در اسلامی شدن دانشگاهها را پیدا می‌کند.

**- برخی بر این باور هستند که افراد مسئول و مدیران در دانشگاهها می‌باید از یک سری ویژگیهای خاص اخلاقی و کرداری که منطبق بر موازین اسلامی باشد، برخوردار باشند، تا دانشگاهها به سوی اسلامی شدن و تحقق نظر مقام معظم رهبری سوق یابند، نظر شما در این باره چیست؟**

مشکل عمده‌ی غیر اسلامی بودن دانشگاهها در اساتید و مدیران است. بسیاری از اشکالات را مدیران ایجاد می‌کنند البته نه فقط مدیران درجه اول، بلکه اصولاً جریان مدیریت از رئیس دانشگاه تا رئیس گروه باید اصلاح شود. و امروزه مواردی است که بخاطر مشکلات اقتصادی و پایین بودن سطح حقوق دانشگاهیان مدیریت‌های دانشگاه را افراد شایسته نمی‌پذیرند؛ زیرا برای آنها وقت گیر است و از فعالیت‌های دیگر باز می‌مانند، یا بر فرض اینکه بپذیرند وقت صرف نمی‌کنند.

### **لطفاً آنها را تبیین فرمائید؟**

به نظر می‌رسد جدی‌ترین کار و جنبی پنداشتن آن و تحریف اصل مطلب، که به تعبیر دیگر عامل سوم را می‌توان توجیه نبودن نام گذاشت.

**مختصات و مؤلفه‌های ایجاد زمینه‌های مطلوب و مساعد به منظور توفیق بی‌شائبه در امر اسلامی شدن دانشگاهها را بیان نمائید؟**

در وارد کردن معارف و باور اسلامی به صورت جدی و در سطح بالا در محیط دانشگاه ۲ - آمیزش محیط دانشگاه با محیط حوزه ۳ - تقویت مظاهر و شعائر

دینی در محیط دانشگاه ۴ - بنیان گذاری و تقویت ارزشهای اسلامی و انقلابی در محیط دانشگاه ۵ - حرکت جدی و منطقی در جهت تضعیف ارزشهای غربی ۶ - نمایان سازی محتوای ظاهری بی پایه‌ی آموزشها و علوم غربی در ارتباط با علوم انسانی البته مبتنی بر منطق و استدلال ۷ - مبارزه‌ی فرهنگی اما جدی با منکرات شرعیه در محیط دانشگاه ۸ - از بین بردن زمینه‌های پیدایش اخلاقیات نامشروع.

به نظر شما چهره‌ی واقعی اسلام برای اقشار دانشگاهی مبرهن است؟ آیا عدم اسلامی شدن دانشگاهها را می‌توان به دلیل عدم شناخت کافی و لازم این قشر جامعه از اسلام دانست؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، لطفاً شیوه‌ی خاصی را که به منظور تبیین اسلام ناب محمد (ص) برای توجیه دانشگاهیان صلاح می‌دانید ارائه فرمائید.

چهره‌ی مقدس مکتب اسلام آنقدر زیبا است که اگر برای هر اندیشه‌ای مبرهن شود بی اختیار جذب آن خواهد شد و تمام مشکل همین است که در صحنه‌ی دانشگاه از دیدگاههای علمی و فکری ما نتوانسته‌ایم اسلام را نشان بدهیم و شیوه‌ی خاص ارائه‌ی اسلام به دانشگاه، از راه خود دانشگاه است.